

## آتش افروزی تازه رژیم خمینی:

### کشتار جوانان، فلاکت مردم

رژیم جنگ طلب خمینی درست در آستانه ناکامی انقلاب تهاجم جنایتکارانه تازه ای را در جبهه ها آغاز کرده و با دیگر میهن ما را در خون و رنج فروبرد. سردهمداران رژیم تدارک این حمله را از ماها قبیل چیده بودند. بسوی ارگانهای سرکوبگر برای سرباز گیری، تصویب قوانین ارتجاعی برای شکار جوانان در مجلس و تلاش از بین کشیدن جوانان کشور به جبهه ها در با نام "راهیان کربلا" از حمله تدارکات رژیم برای شروع عملیات والفجر ۸ بود. در صفحه ۲

# مسکالم

نشره سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت) سال اول شماره ۱۴۴ بهاء ۱۵ ربیع اول اسفند ۱۳۴۴

## دختران جوان در مبارزه علیه ارتجاع

توده عملیونی دختران و زنان جوان میهن ما در جنگال رژیم جنایتکار رژیم خمینی زندگی پر درد و رنج و مشقت باری را تحمل میکنند. رژیم ارتجاعی به زنان و دختران میهن ما بصورت نیمه انسانی مینگرد که وظیفه ای جز نشستن در کنبه خانه و آشپزی و تولید مثل ندارند. وظیفه اجتماعی زنان و دختران از نظر رژیم خمینی تنها بخشیدن گوسفواره و انگور برای کمک به جبهه ها و درواقتب جیبهای سرمایه داران، رژه رفتن در خیابا نها و قریباً زدن بنفش خمینی و جنگ و برگردن صدوقه رای است. بجز این رژیم تبه کار هیچ حق دیگری برای زنان و دختران جوان میهن ما قابل نیست. مشکلات زنان و دختران جوان در زیر یوغ رژیم اسلامی دهشتناک و پاپیان نا پذیر است. جنگ کثیف بگونه ای خاص زندگی آنان زاریا میکند. خمینف نزدیکترین کسان زنان میهن ما را میربا یدودراتش جنگ میسوزاند. زنان و دخترانی که پدر، همسر، برادر خود را در جنگ ارتجاعی از دست میدهند، در فدا و فشار نابود کننده ای گرفتار میشوند و در خطب فحشاء و انواع توطئه های کثیف سران رژیم واپسآد آنها قرار میگیرند. رژیم خمینی به آنچه در قرون چهل و تار یکی بر زنان اعمال میدد، رسمیت بخشید و با تصویب قوانین حقوق نابرابر، مقام زن را تا حد "انسان نیمه عاقل" تنزل داده است. در اجتماع خانواده مورد نظر جمهوری اسلامی زن، برده و بی کنتیزی بیش نیست. برای آنان نه آزادی و نه امکانات فعالیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و غیره وجود ندارد. رژیم ارتجاعی میگوید بزور زنان و دختران جوان را در برده حجاب فرو برد حکام جنایتکار و مرتجع جمهوری اسلامی با تبلی رسمی چند همسری و ازدواج های موقت و مراکز فحشاء که بشماره آنرا به سطح سیاست رسمی حکومت رسانده اند، به از هم پاشیدن خانواده ها و نیز آساع فساد در سطح جامعه گمر بسته اند. آنان در نشتها بقیه در صفحه

## کارزوده ای و فعالیت سازمانگرا نه در میان جوانان

- جشنهای نوروز را باشکوه برگزار کنیم. در صفحه ۸
- جوانان فدایی در سمینار بین المللی دانشجویان. در صفحه ۸
- مبارزه جوانان و ورزش دوست علیه رژیم را تقویت کنیم. در صفحه ۷

## علیه انهدام نظام آموزشی کشور بیاخریم!

سرمداران جنایتکار جمهوری اسلامی از فحاشی که تا کنون در آموزش و پرورش ایران به بار آورده اند راضی نیستند و برای تکمیل کلکسیون جنایاتشان در عرصه فرهنگ و آموزش اخیراً به فکر تغییرات بنیادی در نظام آموزشی کشور افتاده اند. برنامه ریزی و اجرای این ویرانگری بنیادین را، ستادی که در وزارت آموزش و پرورش تشکیل گردیده، با نظارت وزیر آموزش و پرورش و با مسئولیت معاون وزیر، غلامعلی حداد عادل (که از مرتجعین دواشته و فاقند کمترین صلاحیت در امور آموزشی است) سرعهده دارد. نخستین محصول این ستاد، جزوه ای حساوی برنامه ها، اهداف و خط مشی تغییر نظام آموزشی است. در جزوه، نظام موجود آموزش و پرورش ایران که الهام گرفته از نظام های آموزش و پرورش غربی است، مورد انتقاد قرار گرفته است. اما نسه انتقادی از موضع علمی و تحقیقاتی، بلکه درست برعکس، در سمت فقرا و به سوی اعماق قرون وسطی جایی که تمامی اندیشه و فرهنگ و آیده آل رهبران نظام ولایت فقیه از آنجا مایه میگیرد. ستاد مزبور، مهم ترین کارش را تدوین مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، بر مبنای آثار خمینی محمولات دیگر علما، فقها و حکمای چهارده قسرن گذشته، اعلام کرده است. اندیشه برداران تعلیم و تربیت رژیم خمینی تفکیک مدارس دینی از مدارس علمی را بزرگ ترین فاجعه تاریخ ۱۵۰ سال اخیر آموزش ایران اعلام میکنند. مطلوب ترین نظام آموزشی را به "تاریخ گذشته اسلامی" که همسه تحصیل در حوزه های علمیه انجام میگرفت مرسوم میداند. در آخر شاهراه تحولات بنیادی نظام آموزشی به شیوه جمهوری اسلامی؛ "و این چنین تصویب میکنند: " باید نظامی طراحی کرد که در راستای حوزه های علمیه باشد و با آن وحدت ما هوئی داشته باشد. یکی از جدی ترین " نمونه های عدم تطابق فرهنگ غربی با فرهنگ اسلامی " در نشتها موجود تعلیم و تربیت پسران و دختران در نظام موجود بقیه در صفحه ۷



گرامی باد "مارس" روز جهانی زن!

# مرگ بر خمینی جنگ افروز؛ زنده باد صلح!

آتش افروزی تازه...

بقیه از صفحه ۱  
حمله رژیم ارتجاع منطقه را بشدت به تشنج کشیده است. آمریکا با کمک ارتجاع منطقه از این اوضاع متشنج درجهت تشدید حضور خود در خلیج فارس، نظا می کردن بیش از پیش منطقه و تحکیم مواضع امپریالیستی که مستقیماً علیه نیروهای انقلابی و خلقهای منطقه و تهدیدی برای صلح جهانی است آست بهره برداری می کند.

رژیم هیاهوی عوا مفریبا نه ای در مورد پیروزیهای خود به راه انداخته است، تا از این طریق احساسات جنگ طلبانه را در مردم تحریک کرده و آنان را با رسا ادامه جنگ موافق سازد، ما برای مردم ما با رها به اثبات رسیده است که این تبلیغات عوا مفریبانه دروغی بیش نیست. نتیجه تهاجم اخیر کشتار و فلاکت بیشتر مردم ما است.

مردم زحمتکش ایران در این جنگ ارتجاعی هیچ منفی ندارند. این خمینی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی آنکه برای دستیابی به اهداف ارتجاعی صرف گریلا... و با رویای پیروزی نظامی، میهن ما را به نابودی کشیده اند. این جنگ تنها به نفع تجار با زار و دیگر سرمایه داران و کشورهای امپریالیستی است. هرچه این جنگ بیشتر ادامه یابد، جیبهای سرمایه داران پر پول تر و بدبختی مردم بیشتر می شود. جنگ برای مردم ما تنها بدنه ای پاره پاره و خون آلود فرزندانشان، تشدید گرسنگی و فقر و گرانای و کمبود ضروری ترین کالاها، نابودی نفت و شورتهای ملی، انهدام بیشتر صنایع و کشاورزی

دختران جوان...

بقیه از صفحه ۱  
پلیدی حتی در میان دختران دانش آموز مدارس ابتدای بی ثواب و محسناات صیغه را تبلیغ میکنند. عواقب مخرب این سیاست بیش از همه بر دوش زنان و دختران میهن ما سنگینی میکند.

اکثریت بزرگ زنان و دختران جوان میهن ما از حق تحصیل محرومند. از پیش از ۶ میلیون دختر و زن بین ۱۵ تا ۲۴ سال تنها ۲۵٪ آنان امکان تحصیل دارند. در روستاها و شهرهای کوچک بیسواد در میان دختران بیداد میکند. دختران جوان میهن ما رسا از آموزش درسیهای رشته های تحصیلی منع شده اند. در محیطهای آموزشی تسبیحات ارتجاعی نسبت به دختران اعمال میشود، آنها را تحقیر میکنند و به بهانه های واهی و شرم آور اخراج می نمایند.

کار برای اکثریت زنان و دختران جوان میهن ما وجود ندارد. آنان در کارخانه ها و روستاها در شرایط وحشتناکی کار میکنند و استثمار میشوند. هیچ گونه قانون و تشکل که از آنها دفاع کند وجود ندارد. در محیطهای کار تسبیحات فدانسانی بیشتر از آنکه به زنان و دختران جوان زحمتکش اعمال میشود، و بسا بیهوشیهای مختلف آنها را مجبور به استعفاء کرده و خانه نشین میسازند.

از امکانات فعالیت فرهنگی، ورزشی و هنسری زنان خنی هم در میان نیست. رژیم با بیهوشیهای مختلف در برابر این فعالیتها قرار میگیرد. تحمیلات، قیود و ستمهای فدانسانی رژیم موجب تبخلف و رزمبارزه گسترده زنان میهن ما را فراهم آورده است. در جنبشهای توده ای، اعترافات و اعتمادات، زنان و دختران جوان نیروی فعال

اختناق و سرکوب و ویرانی و وابستگی روزافزون کشور به امپریالیستهای جهانخوا را بهمراه دارد. بهمین دلیل مردم این جنگ را نمی خواهند. خواست آنان نه ادامه جنگ، بلکه برقراری صلح است. حمله اخیر جمهوری اسلامی، خشم و نفرت مردم را دامن زده است. هرچه رژیم بیشتر خون می ریزد، عزم مردم برای مبارزه علیه جنگ و رژیم بیشتر می شود و نارضایتی عمومی اوج میگیرد.

جوانان فدایی با پدیده مبارزه در راه صلح و علیه جنگ را بیش از گذشته تشدید میکنند. از هر امکانشی در جهت افشای ما هیت واقعی جنگ و اهداف ارتجاعی رژیم استفاده کنند، فعالیت تبلیغی خود را افزایش دهند، سیاستهای صلح طلبانه فداییان خلق را با گسترده تر شدن بیشتر به میان بخشهای وسیع تتری از جوانان و همه مردم ببرند، با بدحکرات فعالیتکن مخالف جنگ در بین توده جوانان را هماهنگ ساخته، اعترافات و حرکات ضد جنگ را سازمان دهند، در مراسم تدفین و تشییع کشته شدگان و هر تجمع تسوده ای دیگر که به این مناسبت تشکیل می شود، شرکت کنند. این جامع راه مگانه ای افشای رژیم جنگ طلب خمینی تبدیل کرده و مردم را به اعتراف علیه جنگ دعوت کنند، با بدحکرات فعالیت توده ها به جنبش هرچه وسیع تر و نیرومندتری بدل گردند. وظیفه انقلابی ما است که پرچم مبارزه علیه جنگ را محکمتر در دست بگیریم و آتش افروزی تسانزه رژیم را گسترده تر و عمیق تر کنیم. تشدید گرسنگی و فقر رژیم در میان توده های هرچه وسیع تری از جوانان با سخ دهیم.

و بر جنب و جوشی را تشکیل میدهند. چه در انقصاب بهمین وجه در مبارزات اخیر، زنان و دختران زحمتکش میهن ما نقش مهمی را بر عهده داشتند. رژیم زندانها و شکنجه گاهها را از زنان و دختران مبارز و مقاوم پر کرده است. شکنجه های وحشیانه، تجاوز و اعدام به گسترده ترین شکلی اعمال میشود. خمینی مداه زن مبارز را اعدام کرده است، اما نتوانسته مقاومت زنان و دختران مبارز و قهرمان را درهم شکند. زنان زحمتکش دوشادوش مردان مبارزه برای سرنگونی رژیم را گسترش میدهند و از مبارزه انقلابی استقبال میکنند. اکنون نزدیک به نیمی از صفوف جوانان فدائی را زنان و دختران جوان و قهرمانی پر کرده اند که در سخت ترین شرایط علیه رژیم خمینی میروزند.

بسیج توده میلیونی زنان و دختران جوان علیه جمهوری اسلامی برای پیروزی بر این رژیم خون آشام اهمیت بزرگی دارد. تشدید فعالیت در میان زنان و دختران جوان، بردن آگاهی و تشکل به میان آنها و بسیجشان در مبارزه علیه رژیم با تکیه بر تمامی تجارب گذشته و وظیفه ای است که امروز با اهمیت تمام در برابر جوانان فدائی قرار دارد. جوانان فدائی باید دفاع از حقوق دختران زنان جوان میهن ما را در میان همه اقشار مردم گسترش دهند و در پیشاپیش این مبارزه قرار گیرند. ما هیت ارتجاعی و خنکف جمهوری اسلامی و نقش و نقش زنان و دختران جوان را پیگیرانه افشاء کنند، علیه تحمیلات ارتجاعی جناب اجباری، انواع قوانین و مقررات ارتجاعی فعالیت کنند. مبارزه خمینی بدین منظور، گسترش پیوند و دوستی با دیگر دختران و زنان جوان در محیطهای کار، مدارس و دانشگاهها، در محلات و روستاها و روابط در صفحه ۳

دختران و زنان جوان! علیه تحمیلات ارتجاعی رژیم، برای احقاق حقوق خود، مبارزه کنید.

مبارزه جوانان ورزش دوست  
علیه رژیم راقوتیت کنیم



علیرغم توطئه ها و اقدامات اختناق آمیز جمهوری اسلامی ، مسابقات فوتبال کماکان عرصه اعتراضات متعدد و مختلف جوانان پرشور و انقلابی علیه رژیم ارتجاعی خمینی است. در آذرماه گذشته در اهواز ، تظاهرات گسترده ای علیه سیاستهای رژیم و مسئولین ورزشی استان برپا گردید. در اول آذرماه بدنبال مسابقه فوتبال تیمهای خوزستان و کرمان نزدیک به ۱۵ هزار نفر از جوانان اهوازی دست به تظاهرات گسترده ای علیه رژیم زدند و با پاسداران سرکوبگر به مقابله برخاستند. بدنبال این حوادث فدا سون فوتبال بار دیگر مسابقات تعطیل کرده و اعلام کرد که مسابقه میان دو تیم منتخب تهران الف و خوزستان - در چهار رجب مسابقات قدس - که قرار بود روز ۲۰ دیماه در اهواز برگزار شود، برای مدت نامعلومی به تعویق افتاده است. همچنین در مسابقه ای که اخیرا بین تیمهای فوتبال تهران و تبریز در استادیم ورزشی تبریز برگزار شد آخوندی که مشغول سخنرانی بود با اعتراضات گسترده تماشاچیان روبرو گردید و مجبور به قطع موزه خود گردید. در پایان این مسابقه نیز تراکت های با شعار " زندانی سیاسی آزاد باید گردد " و " مرگ برکت طلب " پخش شد. این گونه حوادث بسیار تکرار میشود.

فشار تازه برای سر باز گیری

خمینی همه نیروی سرکوبگرش را بمیدان آورد است تا مشمولین و سر بازان فراری را دستگیر و بجهت های مرگ کسبیل دارد. بموجب ماده نخست ط " لزام می باشد اران و کمیته های انقلاب اسلاب ژاندارمری و شهرهای به شنا سایی و تحویل مشمولین غایب به مقامات صالحه نظام وظیفه " و تبصره اهد ماده که چندی پیش از تصویب مجلس ارتجاع گذشت همه ارگانهای مسلح موظف شده اند برای شناسایی و دستگیری مشمولین غایب و سر بازان فراری بسی شوند.

با تصویب این قانون فاشیستی رژیم خمینی اقدامات و با شکارانه ورا هزنانه برای شکار جوانان از شهرها و روستا های کشور را جنبه قانونی و سراسر داده است. در کنار آن بسیج نیروهای سرکوبگر، رژیم یک رشته اقدامات جدید نیز تدار کرده است. سرهنگ رزمجو رئیس اداره وظیفه عمومی دروزنا، اطلاعات (۱۵ دی) گوشه ای از این اقدامات سرکوبگرانه از جمله: زندانی کردن کار فرمایان "متخلفی که به مشمولین غایب کار بدهند" بررس مجدد قانون مصوب " شورای انقلاب" در سال ۵۸ یعنی مصافیت متولدین سالهای ۳۴ تا ۴۲ تعیین حد سن برای دانشجویان مشمول و فرا خواندن متولدین سال ۴۷، ۴۸ را فاش کرد.

تشدید فشارهای رژیم خودگویا ترین دلیلی اوج گیری مقاومت جوانان علیه جنگ و امتناع آنها از حضور در جبهه ها است. عمال رژیم میکوشند این واقعیت را پنهان کنند. سرهنگ رزمجو در همان شماره اعلام داشت: البته باید به آب نکته اشاره کنیم که تصور نشود دستگیری مشمولین غایب به خاطر کمبود نیروست..."

امتناع از شرکت در جنگ و ترک جبهه ها وسیله مهمی در راه مبارزه علیه جنگ و نجات جان صدها هزار جوانی است که رژیم خمینی در پی قربانی کره آنان بخاطر منافع حقیر و ارتجاعی خود است. وظیفه جوانان انقلابی است که این مبارزه را با تمام توان گسترش دهند، توطئه های رژیم برای کشتن جوانان را بطور وسیع و فعالانه افشاء کنند، از مشمولین غایب و سر بازان فراری حمایت کنند، ا جوانان بخواهند که خدمت سربازی خود را به شکل ممکن به تعویق اندازند و جبهه ها را ترک کنند، مردم را بحمايت از جوانانی که نمی خواهند در جبهه ها کشته شوند، دعوت کنند.

پشتیبانی و ابراز حمایت از سر بازان فراری مشمولین غایب بجز روشی ارعاب و تهدید را که رژیم میخواهد علیه آنها ایجا کند، در هم میکند. وظیفه جوانان پیشگام و همه جوانان انقلابی است، در این راه مبارزه کنند.

این سونه ها یکبار دیگر نشان میدهد که مسابقات ورزشی اکنون عرصه مهم مبارزه جوانان علیه رژیم است. رژیم خمینی علیرغم بسیج گسترده نیروهای سرکوبگر و توسل به اقدامات گوناگون در جهت تعطیل مسابقات قادر نیست از بروز خشم و اعتراضات جوانان ورزش دوست، که ریشه در تاریخی عمیق آنان از این رژیم ارتجاعی دارد، جلوگیری کند. این اعتراضات با زهم شدید خواهد شد و رژیم بسا هیچ نیروی سرکوبگری موفق به خاموش کردن آن نخواهد گردید.

وظیفه جوانان پیشگام و مبارزان این است که به این عرصه مهم مبارزه بطور جدی توجه کنند، سیاستهای ارتجاعی ضد ورزشی رژیم را فعالانه افشاء کنند، در جهت گسترش کار تبلیغی، شونده ای و سازمان گرانه در میان ورزشکاران و ورزش دوستان و با شما گها و محافل و مجامع ورزشی کوشش کنند و بسا تدارکات مناسب و ماگدی لازم سازماندهی، هدایت، گسترش و رادیکالیزه ساختن اعتراضات و تظاهرات جوانان ورزش دوست و ورزشکاران را برعهده بگیرند و آنها را پیش از گذشته علیه رژیم خمینی متوجه سازند.

دختران جوان

خانوادگی اهمیت بسیار دارد. دختران و زنان جوان فدا بی میشوند طی این روابط و در محافل دوستانه ای که تشکیل میدهند، درباره فشارها و تحمیلات ارتجاعی ای شوا عستم و نا برابریهایی که در محیط کار و تحصیل و زندگی آنان وجود دارد، برایشان گفتگو کنند. برای برخورد درست جهت مقابله با این فشارها باری شان نمایند. آنان را با خواسته های شان سازند و مبارزه در راه تامین حقوق شان را سازمان دهند. جوانان فدا بی باید طی این فعالیتها ایده

تشکل را بمیدان زنان و دختران جوان ببرند، براساس نیازها و خواسته های آنها، در جهت ایجاد تشکله و تقویت تشکلهای موجود فعالانه بکوشند، این تشکلهای را خدمت گسترش فعلیتهای سیاسی - اجتماعی در میان زنان و دختران جوان و شرکت آنان در جنبشها، توده ای و مبارزات انقلابی قرار دهند. سازمان جوانان فدائی خلق ایران ( اکثریت رابه زنان و دختران جوان میهن ما باشند به آنها بگویند که سازمان ما یگانه سازمانی است که با پیگیری از حقوق زنان و دختران جوان دفاع میکند، آنها رابه صفوف جوانان فدائی فراخواند

## به یاد فدایی شهید، بیژن نوپری

وقتی تن کوفته و خونینش را در اتاق نیمه تاریک و تصور انداختند دیگر فهمیده بودند که جانیکاران نقشه شوم قتل او را تا درک دیده اند. در تبریز دستگیرش کردند و در واقع او را زنداند. بعد به تهران آوردند و در خانه‌ای که نمیدانست کجاست او را تا حد مرگ شکنجه کردند. رژیم بدروغ در روزنامه‌ها اعلام کرد که در دست دموکراتها اسیر شده تا ابراحتی بتواند هرطور که میخواهد او را شکنجه و سربسته نیست کند. توطئه دستگیری بیژن، جزئی از توطئه علیه فدائیان بود.

خون به آرامی روی زمین میدوید و دلش میشد برای حفظ اطلاعاتش در برابر دشمن ساعتی پیش رگ دستش را زده بود. چند روز بود بعنوان اعتراض، اعتصاب غذا کرده و لب به چیزی نزده بود. احساس میکرد نیرویش دم به دم تحلیل میرود. سالهای زندگی از برابر چشمانش رفته و رودبه‌دا نگاه نخستین اعتصابات، اولین باری که اعلامیه فدائیان را دید، گروهی که باسید تشکیل داد، فلسطین... بردها پیش در جنوب لبنان - حال چقدر دور بنظر میرسد- انقلاب بازگشتی به آغوش میهن و در کنار رفقا، کارگران تبریز که شهوری داشتند برای دانستن...

شبه، زندگیت بیهوده نگذشته، راضی باش!  
اما چرا مرگی چنین آرام؟ برای توهنوز زود است!

نگاهش به گوشه سقف افتاد. سوراخ کوچکی توجهش را جلب کرد. فرار نخستین فکری بود که به سرعت برق از ذهنش گذشت. لوله‌ای از همان گوشه اتاق میگذشت. برخاست. شهادت و شجاعتی که طی سالها مبارزه در وجودش بارور شده بوده بگشکش آمد که زود تصمیم بگیرد. خودش را به لوله رساند و سعی کرد بالا رود، اما نتوانست و بیژن افتاد. نیرویش یاری نمیداد. بدوروبرش نگریدند. اتاق خالی خالی بود. چند تکه نان خشک در گوشه‌ای افتاده بود. نانها را به سختی پایین داد و دوباره بطرف دیوار رفت. بالاخره موفق شد خودش را به سوراخ برساند و با برداشتن چند آجر و ایجاد حفره‌ای به اندازه تنش از اتاق بیرون آید. حالا در طبقه بالا بسود زود فهمید که آنجا ساختمان بزرگی است و او در میان پاسداران گرفتار است. خودش را بناخت کلاه کهنه‌ای را که در گوشه‌ای افتاده بود به سر گذاشت و یک سطل رنگ بدست گرفت. با قیافه کارگر رنگار و با گامهایی مطمئن بطرف در خوبی رفت و از برابر پاسداری که در مقابل در کعبه‌اش می‌د گذشت...

بیژن سه سال بعد مجددا دستگیر شد. دشمن ددصفت با همه خشم و کینه ضد انسانی اش او را به زیر شکنجه کشید. اما بیژن میدانست که همیشه برای مبارزه با دشمن راهی هست. زمانی فراز زمانی مساوی مقاومت و سکوت... وزمانی شتاب جان. او این بار نیز دشمن را در برابر اراده فولادین خودبناست افکند و بدون کلامی حرف همچون یک فدائی قهرمان شجاعانه در برابر جوخه اعدام ایستاد.

فدائی خلق رفیق شهید ابراهیم لطف‌الله زاده که اخیرا دست‌دوخیمن جمهوری اسلامی اعدام شد



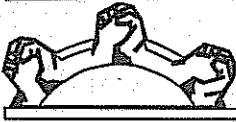
## آی... توماج

بیستم ماه ۵۸ در پی توطئه جنایتکارانه حکام جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزات دهقانان و مردم ترکمن صحران مزدوران رژیم با تمام قوا به آنان یورش بردند تعدادی از اعضای شوراهای دهقانی که به دفاع از زمین و آزادی برخاسته بودند به شهادت رسیدند. توماج قهرمان ملی خلق ترکمن و یاران همزمان فدائیش و رفقا مختوم، واحدی و جرجانی به دستور خمینی جلد، ناجوانمردانه ترور شدند.

"نگاه کن... نگاه کن این دریای پرجم های سرخ که بردست کودکان ترکمن صحران خون دلوران ترکمن صحران خون میادان و کشتگراست. خون زمین و شورا است. خون آوازه خوان رفیقا است. خون آوازه خوان توست، توماج آی... توماج، مختوم، واحدی، جرجانی داس خونین دهقانان، فداییان خلق تورخونین میادان، فداییان خلق قطعه‌ای از سروده سعیدسلطانپور

## نورافکن و سیم خاردار

گسترش جو انقلابی در مدارس و تشدید مبارزه دانش‌آموزان علیه جمهوری اسلامی، رژیم خمینی را نیز به شدید اقدامات سرکوبگرانه و در عین حال تبلیغاتی واداشته است. تاکتیکیهای رژیم یکایک با شکست مواجه میشوند و مسئولین مجبور میشوند به اقدامات ارتجاعی تازه‌تری روی آورند. بعنذار اینکه تا توانی نهادهای سرکوب و جاسوسی یعنی انجمن‌های اسلامی و امور تربیتی در مقابل به سادگی دانش‌آموزان آشکار شد و حربه تشدید و اخراج نیز راه به جایی نبرد، رژیم به بازجویی و کشتن آشکار دانش‌آموزان هنگام ورود به مدرسه دست زد. اما این اقدام نیز نتوانسته است از گسترش فعالیت روزافزون دانش‌آموزان انقلابی جلوگیری کند. اکنون رژیم در پی چاره‌جویی دیگری برآمده است. "خوشنویسان" مدیر کل آموزش و پرورش تهران در ۱۵ آذرماه هجری ماهی خطاب به روسای مدارس صادر کرده و از آنها خواسته است به منظور جلوگیری از گسترش فعالیت روزافزون سیاسی انقلابی در مدارس، دور ساختمان مدارس را سیم خاردار کشیده و در شب با نصب نورافکن محیط مدرسه را روشن کنند. از پیش روشن است که این اقدام تازه رژیم جنایتکار خمینی نیز صرف نظر از غیر عملی بودن آن نخواهد توانست آرامش اردوگاههای فاشیستی را در مدارس برقرار کند. توسل به این گونه حرکتها نشانه آشکار لاعلاجی رژیم در برابر رشد مبارزات دانش‌آموزی است. این مبارزه با زهم گسترش خواهد یافت. سیم خاردار و نورافکن قادر نیست شور و اراده انقلابی دانش‌آموزان را برای گسترش فعالیت انقلابی فرو نشاند و دردمرهم کند.



## کارندهای و سازمانگرا نه در میان جوانان

موجود) و با در نظر گرفتن سابق فعالیت و تشکّل و مبارزات آنان کار سازمانگرا نه در میان جوانان را بر نامه ریزی نموده و به پیش ببرند. در آغاز کار، بسیاری از فعالیتهای سازمانگرا نه توده‌ای از حرکتی جزئی آغاز میشود. با یابند هشیارانه و صبورانه و با بهره گیری از کوچکترین امکان در جهت رشد و گسترش آنها کوشید. در محیطهای مختلف موارد زیادی پیش می آید که جوانان برای کسب یک خواسته و اعتراض به یک موضوع، با حرکتی جمعی، نماینده انتخاب میکنند. همین انتخاب نماینده، یک مرحله به پیش است. اما این حرکت را - که در بسیاری موارد نا پدیدار است - باید بسط و تکامل داد و از خواستهای موضعی بطرف خواستهای اصلی سوق داد. جمع موقتی را به تشکّل پایدار تبدیل نمود ... موارد بسیاری بوده است که با ابتکار و برنامه ریزی، تشکلهای کوچکی که در یک نقطه و بر اساس یک خواسته نازل آغاز به کار کرده تدریجاً به تشکلی وسیع فراروید، با وسعت دادن ارتباطش با تشکلهای نظیر خود و با تنوع بخشیدن به فعالیتش در رشته های گوناگون، گسترش و تکامل پیدا کرده اند.

تشکلهای توده‌ای جوانان در تلاش خود برای دستیابی به اهداف صنفی که پیش رودارند، با سد و مانع جمهوری اسلامی و بیرو شده و ناگزیر به مبارزه با سیاستهای رژیم میشوند. از سوی دیگر سازمان توسط تشکلهای بشان به مثابه نیروی سازمان نیافته توده‌ای در مبارزات سیاسی مردم شرکت میکنند. وظیفه غالبین ماست که با بردن مواضع و سیاستهای انقلابی سازمان به درون تشکلهای این مبارزات و اهداف و سازماندهی کنند. این امر باید با شکل مناسب و با توجه به سطح رشد و ظرفیت هر تشکّل صورت پذیرد. و در هر حال باید به خلعت دموکراتیک و توده‌ای شکل توجه داشت، با یادگاره بود که افراد با معتقدات گوناگون در این تشکلهای عضویت دارند. و اینکه این تشکلهای باید هر چه توده‌ای تر و با سخوی خواستهای مشترک آنان باشد.

در تشکلهای توده‌ای معمولاً افرادی هستند که دارای اعتبار و نفوذی وسیع در میان توده اعضا آن تشکّل میباشند. وظیفه ماست که با آنان پیوند برقرار کنیم و با هدایت آنان نقش هر چه موثرتری در تقویت و ارتقاء کار تشکّل برعهده بگیریم. باید با کار پیگیرانه در جهت گسترش پیوندهای توده‌ای و ایجاد سازمانهای توده‌ای جوانان، شرایطی را ایجاد کنیم که اگر هسته های سازمان جوانان در محل های کار، زندگی و تحصیل به هسته یک اتم تشبیه شوند، سازمانهای توده‌ای جوانان که در پیرامون آن وجود دارند، مثل اربیتالهای سیاسی در پیوند با آن قرار گیرند. یک هسته جوانان باید توسط این روابط و تشکلهای، به وسیع ترین توده های جوان در محیط پیرامونش پیوند بخورد، فعالیت و مبارزات آنان را هدایت کند و سیاست و خط مشی سازمان را به میان آنها ببرد.

یکی از اساسی ترین وظایف اعضا و هواداران سازمان جوانان فدائی، برقراری پیوند توده‌ای و سازمانگری در میان جوانان است. بذری را که ما از طریق تبلیغات وسیع می پراکنشیم، با گسترش ارتباطات توده‌ای و کار سازمانگرا نه است که میتوانیم بیشترین محصول آنرا برداشت کنیم. از این راه است که در عمل قادریم فعالیتها و مبارزات صنفی و سیاسی توده های جوان را سازماندهی و هدایت کنیم. کار توده‌ای در عین حال اهرم نیرومندی برای کار تبلیغی و بردن آگاهی به میان توده جوانان، بهترین بستر برای نزدیک شدن با آنان، آشناسدن با مسائل و مشکلاتشان و شناساندن اهداف و برنامه‌های انقلابی سازمان جوانان فدائی است. کار سازمانگرا نه و ایجاد تشکلهای توده‌ای ما را قادر میسازد مبارزات پراکنده جوانان را در مسیر واحد و شمر بخشی به جریان اندازیم و ظرفیت و توانائی های مختلفی نیروهای جوان را در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، ... بکار گیریم. جوانان در جریان این فعالیتها قابلیتهای خود را نشان میدهند، درسهای ارزشمندی از مبارزه توده‌ها آموخته و بعنوان کاردهای انقلابی بروسته پرورش می یابند. و با لخره گسترش پیوندهای توده‌ای مهمترین مانع استواری ادامه کاری و ضربه ناپذیری نیروی انقلابی در شرایط خفان و حکومت پلیسی رژیم جنایتکار خمینی بحساب میآید. در شرایطی که استبداد قرون وسطایی جمهوری اسلامی، ابتدائی ترین کج جوانان برای متشکّل شدن در سازمانهای صنفی و عمومی را از آنان سلب کرده است و هرگونه تلاشی در این راستا با سرکوب و حشایشه دژخیمی روبرو میشود. آیا ایجاد تشکلهای توده‌ای به کلی منتفی است؟ تجربه نشانه داده است که این تشکلهای بر اساس نیازها و خواستهای واقعی و عینی این توده میشوند. پس سازمانی که این خواسته ها وجود دارند، مبارزه برای آنها و تشکّل پیرامون آنها نیز خواهد بود.

در چنین شرایطی، بهره گیری از هر امکان کوچک برای گسترش پیوند با جوانان از اهم وظایف ماست. در این رابطه دوستی ساده و ایجابی محافل دوستانه جوانان، از نخستین گامهاست. ایجاد تشکلهای محدود مثل تیمهای ورزشی، کتابخانه‌های محلی، گروه دوستداران شعر و هنر و ادبیات و گروههای تدریسی ... مرحله بالاتر این پیوندها و سازمانگری توده‌ایست. مرحله پیشرفته تر، پایه ریزی و یا کار در میان تشکلهای بسته که توده وسیعتری را دربر میگیرند، شیات دارند و مقررات و قوانین مدون و غیر مدون حاکم بر آنهاست. برای موفقیت در کار سازمانگرا نه توده‌ای باید با آگاهی برقا نوزمندینها و شیوه های عمومی کار، با ابتکار و خلافتیت از تجاری که در این عرصه وجود دارد بهره بگیریم. هر پیشگامی باید شناختی همه جانبه از محیطی که در آن کار انقلابی میکند، داشته باشد. هسته های سازمان جوانان - که در محیطهای زندگی، کار و تحصیل جوانان فعالیت میکنند - باید مهمترین خواستها و نیازهای جوانان را بشناسند. با توجه به زمینه ها و اشکال موجود و ممکن کردها می تشکّل جوانان محل (از جمله تشکلهای قانونی

### خبرنگار پیشگام باشید!

آزادگان  
خبرها و گزارشها

● از بسیاری دبیرستانها گزارش میدهند که مسئولین دبیرستان از دانش آموزان کلاسهایی چهارم، عکس، آدرس و کوروی منگزل و اطلاعات دیگر برای تحقیق درکنکور میگیرند.

● انجمن اسلامی دانشکده دامپزشکی دانشکاه تهران برای آنکه اینکار هرگونه فعالیت صنفی مستقل را از دانشجویان سلب کند، دردی ماه سال جاری اقدام به تشکیل یک تعاونی "اسلامی" کرده است. از آنطرف عضو هیئت مدیره آن، آنقدر حتما باید از اعضای انجمن اسلامی باشد و بقیه راهم انجمن اسلامی "انتخاب" میکند و سی درصد از سود حاصله این تعاونی بسلامت مصرف فعالیتهای انجمن اسلامی خواهد رسید. اساسنامه این تعاونی مضحکه دانشجویان شده و تعاونی از جانب آنان تحریم شده است.

● شکر ریز، رئیس دانشکاه آزاد اسلامی، در سخنرانی اش بمناسبت ثبت نام قبول شدگان سال جاری و در مورد امکانات این دانشکاه برای دانشجویان اعلام کرد: "این جا هیچ تضمینی برای ثابت بودن شهریه وجود ندارد. شما هم ندهید که دانشکاه ملی باید گردد. هرکس دانشکاه ملی میخواهد برود دانشکاه

تهران، در مورد غذا هم فکرت نکنید که مثل زمان سابق است که غذای ازان به شما بدهیم، هر چند برشود از شما میگیریم، در مورد وام هم که قرار بود به صورت قرض الحسنه مقداری وام بدهیم هیچ کاری انجام نگرفته است."

● روز بیستم آذرماه در خیابان نواب تهران پاسداران خمینی قصد دستگیری یکی از انقلابیون را داشتند. اما موفق نمی شوند و با دستپاچگی به تعقیب و آمیخته با زند و در خیابان ملو از جمعیت و شبانه شروع به تیراندازی میکنند. یکی از دانش آموزان کلاس اول نظری دبیرستان دخترانه ارشاد که در همین لحظات تعطیل شده در در خیابان بودند، موردا ما صحت گلوله مزدوران خمینی قرار میگیرد و جایا کشته میشود. چنانچه پاسداران موب تنفر مردم را برمی انگیزد. در دبیرستان، ن بچه ها برای هتک لای شان مراسم یادبود برگزار میکنند. در این مراسم روحیه اعتراض دانش آموزان به رژیم ضد مردمی کاملاً مشهود بود. روی آگهی های ترجمی که برای این دانش آموز، در مدرسه و محله پخش شده بود، همه جاری در گذشت ... "خط زده و نوشته بودند: قتل ..."

● در یکی از دبیرستانهای دخترانه شهری صندوقهایی برای کمک به جبهه نصب شده است پس از مدتی یکی از مسئولین مدرسه در حضور بچه ها اقدام به بازگشایی صندوق میکند. تنها چیزی که از صندوق بیرون میریزد تعدادی سوسیس

مرده بود که با خنده و جنجال بچه ها و بزرگوار میشود. مسئولین بدنبال این ماجرا طی یک اقدام "قاطعانه" اعلام میکنند که هرکس که بخواهد برای آب خوردن یا رفتن بسازد دستشویی از کلاس خارج شود، باید هربار ۲ تومان در این صندوق همسایریزند.

● قرار بود که در روستای گیلوان ن طارم علیا (از توابع زنجان) مدرسه راهنامایی ایجاد شود ولی مسئولین به بهانه کمبود بودجه و گادآموزشی تصمیم میگیرند که مدرسه راهنامایی روستای آب بر طارم را تعطیل و به گیلوان منتقل کنند. اهالی روستا که از قضیه مطلع میشوند، دست به تظاهرات میزنند، علیه مسئولین آموزش و پرورش و نمایندگان زنجان در مجلس شعار میدهند و خواستار ابقای مدرسه در روستای آب بر میشوند. اعتراضات روستائیان باعث شده که تصمیم بالا معسوق بماند و هیاتی برای بررسی شکایات از تهران اعزام شود.

● در سال انتظار راه آهن تهران عده ای جوان را برای اعزام به قتلگاههای جنگ، جمع کرده بودند تا گاهن یکی از مسئولین جنگی وارد سالن شده با خشونت دست برآورد جواش را میگیرد و از او میخواهد که از آنجا خارج شود. پیرامون آنها مردم ازدحام میکنند. معلول جنگی در حالیکه برادرش را با خود میبرد از مردم خواهش میکرد که متفرق شوند. این صحنه بسیاری از حاضرین را متأثر کرده بود.

روبرو شد، چند لحظه نگذشته بود که همه تراکتها را مردم آزروی زمین جمع کردند. یک کارگر بسه زور میخواست تراکت را از دست پسر بچه ای بگیرد و بخواند. میگفت منداشم مال فدائی هاست فقط بگذار مرگ بر خمینی اش را بگیرم. بحث فراوانی در محله پس از توزیع باراه افتاد."

● بچه ها اعلامیه سازمان را درباره توطئه اعدام و کشتار رهبران فدائیان خلق در شیمر و خورشید و عباسی پخش کرده بودند. یکی از معلمین ما که اعلامیه را دیده بود، با اشاره به آن میگفت در این منکلت چه اتفاقاتی می افتد و ما از آنها بی خبریم.

● دوفتری با یک موتور پس از ناسانی میحل از خیابان انقلاب تقاطع امیرآباد تا قاطعی راجما ۳۰ شعار در عرض نیم ساعت نوشتیم.

"خواستیم برای "پیشگام" هدیه ای بخرستیم. به همین مناسبت یک دیوار عریض درجاده آرامگاه که محل رفت و آمد زخمکشان منطقه است. را که تازه رنگ شده بود انتخاب کردیم و شب ساعت ۸/۳۰، آنطرف برای شعار نویسی رفتیم. ۲ تا از بچه ها مرا قوبودند و من هم به طول ۳ متر شعار "پیروز باد مبارزه خلق در راه سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی" را با امضای سازمان نوشتیم. شعار ما یک روز روی دیوار بود. روز بعد سپاه آمد و رویش رانگ زد ولی در همین مدت خیلی ها آنرا دیدند. امیدوارم هدیه خوبی برای پیشگام بوده باشد.

● از روی پل جوادیه تراکت هایی با عنوان "زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی" را ما که یک گروه ویژه پخش هستیم، وسیعاً توزیع کردیم که با استقبال مردم

از نبود پیشگام

رفقای پیشگام در نامه هایی که برای ما نوشته اند، گزارش از فعالیت های تبلیغی شان فرستاده اند که برخی از آنها را در زیر میا ویریم:

● "اعلامیه سازمان جوانان را در ۴ توپ پلاستیکی جا سازی کردیم و به ترتیب در دبیرستان آیت الله صفاری، مدرسه راهنامایی سعیدی، راهنامایی ابودر و یک راهنامایی دخترانه انداختیم. بچه ها پس از مدتی بازی با توپها، اعلامیه های درون آنها پیدا کرده بودند. مدیر یکی از این مدارس گفته بود آوردن هرگونه توپ له شده بسه مدرسه ممنوع است."

● جوانان شهری نوشته اند:

### علیه ارتجاع در دانشگاه

ما میکوشیم :

- دانشگاهها نباید مراکز شوفاژی استعدادها، علم و تخصص باشند و در خدمت سازندگی جامعه قرار گیرند.
  - دانشجویان باید آزاد باشند، حق آزادی اندیشه داشته باشند.
  - حق فعالیت سیاسی و حق تشکل دانشجویان باید به رسمیت شناخته شود.
  - به تفتیش عقاید و همه قیود و تحمیلات ارتجاعی باید پایان داده شود.
- برای اینکار باید :

- سیاست ارتجاعی رژیم برای " مکتبی " کردن دانشگاهها درهم شکسته شود، به دخالت داده شود.
- برنامه ها و دروس ارتجاعی آموزشی لغو شود و دانشگاههای کشور به دستاورهای علمی و فنی مجهز شوند.
- گزینش دانشجو از اختیار " ساواک خمینی " خارج شود، سوالات و ضوابط ارتجاعی کنکور حذف شود، سهمیه نهادهای ارتجاعی لغو گردد.
- ارگانهای سرکوبگر و جاسوس رژیم : سپاه، شکنجه گاه اوین، ساواک و انجمن های اسلامی حق حضور و مداخله در دانشگاه نداشته باشند. استقلال دانشگاهها تامین شود.
- دانشجویان و استادان ترقیخواه اخراج شده به دانشگاه بازگردند هیچ کس به جرم داشتن اندیشه انقلابی و عدم تمکین به موازین و رفتار ارتجاعی از دانشگاه اخراج نشود.
- " آئین نامه انضباطی " و همه قوانین و مقررات ارتجاعی تحصیل شده برداشته شود.
- حقوق منفی و اتحادیه ای دانشجویان و دانشگاهیان تضمین و شرایط رفاهی کافی برای آنان تامین گردد.
- حق فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی و ترقیخواه کشور در دانشگاهها به رسمیت شناخته شود

دانشجویان انقلابی مبارز !

برای تحقق خواسته های فوق ، مبارزه علیه رژیم خمینی و نهادهای سرکوب در دانشگاه را تشدید کنید.

### جوانان فدایی

رژیم ولایت فقیه و عواقب شوم اجرای طرحهای "ستاد تغییرات بنیادی در نظام آموزشی" بپردازند. باید به مردم توضیح داد که آنچه حکومت تاریک اندیشان دنبال میکنند، تبدیل آموزش و پرورش به سیستم "طلبگی"، اسیر کردن فرزندان آنان در چنگال خرافه و تاریک اندیشی و ناپسندی اندیشه و فرهنگ مترقی در جامعه است و اینکه طی این سالها نیز عملکرد رژیم خمینی جز تخریب سیستم آموزشی، تقلیل کادر علمی و فنی و انسداد امکانات آموزش موجود، تنه زدن سطح آموزش و گسترش روز افزون بیسوادی در کشور، نبوده است باید با کارزار وسیع تبلیغی طرح ارتجاعی تغییرات نظام آموزشی، که از جلوه های مبارز ارتجاعی گری رژیم ولایت فقیه است را رسوا کرد و از انهدام نظام آموزشی کشور جلوگیری نمود.

علیه انهدام ... بقیه از صفحه ۱  
آموزش میداد و می گویند که پسر و دختر با هم تفاوت دارد و آموزش آنان نیز باید متفاوت باشد. حکام مرتجع جمهوری اسلامی طی سالهای گذشته از هیچ تلاشی برای تسلط بر حیات و سرنوشت مدارس و دانشگاه های کشور، جهت تربیت نسلی "مکتبی" و در واقع واپس نگر، خرافی، مطیع و آلت دست ارتجاع خودداری نکردند. این امر آشکارا بعنوان یکی از پایه های ضرور برای تثبیت و تحکیم "ولایت فقیه"، بطور جدی در مدارس و بآن شکل خونیست و جنایت بار در دانشگاهها دنبال گردید. اما اینک که می بینند قادر به مهار اندیشه های علمی و ترقیخواهانه و روح جستجوگر جوانان نشده اند، به طرح نقشه انهدام کامل نظام آموزشی موجود و پسوی ریزی آن به روال "حوزه های علمیه" مشتبه اند. بی شک مقاصد ارتجاعی و شوم سران جمهوری اسلامی در شرایطی که بشریت دوران پرتحول انقلاب علمی- فنی را از زسر میگذراند، در جامعه مسا نمی تواند، بیایده شود. لیکن تلاشهای تبهکارانه آنان، تا گزیر به تخریب بیشتری در نظام آموزشی خواهد انجامید.

### جوانان مبارز!

صدمین سالگرد اول ماه مه، روز جهانی کارگران، در پیش است. برای برگزاری هرچه باشکوه تر جشن کارگران آماده شویم.

### جوانان فدایی

ما از همه مردم ایران، بویژه آموزگاران فرهنگیان، مددکنان، کارکنان، معلمان و تربیت جویان را میخواهیم که صدای اعتراضشان را علیه نقشه های انهدام آموزش و فرهنگ کشور بلند کنند. به افشاگری همه جانبه علیه اهداف و برنامه های

گسترده با دمبارزات انقلابی دانشجویان و دانش آموزان!



جشنهای نوروز را باشکوه برگزار کنیم!

نوروز، جشن باستانی مردم ایران است. جشن زندگی، نویدبخش شادی، صلح و آزادی است. جشن بهاران - که از زندگی و آرزوهای مردم ماریشده گرفته است - در همه سالهای شادمانی و پیروزی و پیروزی های دشوار و تلخ تاریخ ایران، استوار و زنده بوده و برجای مانده است.

در این روزهای تلخ و ناگواری که برمی خیزد، مردم ایران با همه درد و رنجهاشان، در روز را جشن می گیرند که نشانه ادامه زندگی و تازیدن بخشی روزهای پیروز آ آینده است. حاکمیت قوی و وطنی جمهوری اسلامی که به نابودی همه چیز بین خلق و حتی فرهنگ ملی آن کمر بسته است، یکپارچه از هیچ اقدامی برای جلوگیری از انجام این سنت کهن و پیاچون سالهای پیش، درمانم و خون فرو نهد مردم طی روزهای عید فرو گذار نیست، هم را به سر برای مردم، برگزار می این مراسم ، خود میدانست جهت مقابله با ارتجاع حاکم است.

چنان فدائی که در همه جا با مردم استوار همراهند، در این جشن و مبارزه نیز باید با تمام توان مشارکت کنند و همه جوانان را به شرکت فعال در آن فراخوانند. برای برگزاری این مراسم از همه باید:

- کارتهای تبریک شاد و مناسب، با آرزوهای خوب و درسی آنها "استقرار صلح و پیمان یافتن در این جنگ خاشاک برانداز" را برای دوستان و آشنایان ارسال کنند.

جوانان

در سمینار بین المللی دانشجویان

سمینار بین المللی دانشجویان پیرامون امنیت جمعی آسیا ، منطقه صلح پایدار، شباهت جن همجواری و همکاری " ۲۶ تا ۲۷ آذرماه در هندوستان برگزار گردید. در سمینار اوضاع آسیا و تلاش امپریالیسم آمریکا برای نظامی کردن منطقه و جنگ ایران و عراق و توطئه های امپریالیسم علیه انقلاب افغانستان مورد بررسی قرار گرفت. نماینده سازمان جوانان فدائی خلق در این سمینار پیرامون وضعیت دانشجویان ایرانی و جنگ ایران و عراق سخنرانی کرد. در بخشی از قطعنامه پایانی سمینار چنین آمده است: "جنگ بی معنی ایران و عراق فاجعه ای برای مردم هر دو کشور و تنها به سود امپریالیسم امریکاست. ما از مبارزات مردم هر دو کشور در راستای تحقق دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی پشتیبانی میکنیم."

این بیانیه را اتحادیه بین المللی دانشجویان ایران و اتحادیه های دانشجویان دموکرات، فداسیون جهانی اتحادیه های کارگری ، سازمان صلح و همبستگی آسیا - آفریقا، شورای دانشجویان اتحاد شوروی، فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان، اتحادیه ملی دانشجویان ویتنام ، سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان ، سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) سازمان دانشجویان جوانان دموکرات ایران و گروه دیگری از سازمانهای

- مراسم سنتی تدارک و خانه تکانی نوروز ، جوانان محله و جوانان فامیل با تعداد هجده نفر در مراسم هرچه باشکوه تر برگزار کنند.

- عبودیت دادن پیوسته به کودکان و جوانان از سنتی ترین مراسم نوروزاست ، هدایای مناسب مثل کتابهای آموزنده را برای عبودیت دادن انتخاب و تبلیغ کنید.

- از دید پیازدیهای عید برای گسترش و تحکیم روابط با فامیل و دوستان استفاده کنید. روابط انسانی و دوستانه وسیع ، به تدریج امکانات مناسبی را برای کار انقلابی فراهم میسازند.

- دیدوبازدیدهای بسیاری در راههای مردم و گفتگوهای اجتماعی و سیاسی است ، با شکل مناسب اشکال علیه رژیم جنایتکار خمینی را گسترش دهید وید شیره های متکبران به تبلیغ آزادی سازمان انقلابی و سیاست مردمی سازمان فدائیان خلق - جمع آوری کمک مالی برای گسترش فعالیت های انقلابی سازمان بپردازید.

- در این روزهای شادی و نشاط ، با خانواده های شهیدان و نیز یاران و همزمانان که در زندانها و شکنجهگاههای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بسر می برند ، به شکل ممکن ، همدردی کنید ، آنها باید بدانند که عزیزانشان چه احترام و اعتباری میان مردم دارند.

- آرماتهای سرافتمندانه مردم ایران را در پیروزی پیروز شود. سنت های مردمی نیز در ایران آزاد و دموکراتیک شکوفا خواهند شد. غم و اندوه این روزها جایش را به شادی و پیروزی ساختمان جامعه نوین در ایران انقلابی خواهد سپرد. نوروز را به اشتیاق و شور و شادمانی بپوشانید.

دانشجویان، جوانان، و کارکنان، مبارزان، و مجاهدان، بنگلدش، سوریه، سری لانکا، نپال، لهستان، مجارستان، اضاء کرده اند.

هیئت نمایندگی سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) در بنیست دومین کنگره فداسیون سراسری دانشجویان هندوستان در روزهای ۲۲ تا ۲۵ آذرماه شرکت کرد. پیام کمیته مرکزی سازمان جوانان فدائی در این کنگره قرائت شد. شرکت کنندگان در کنگره بیانیه مشترکی در دفاع از مبارزه مردم و جوانان ایران برای آزادی و صلح صادر کردند که طی آن اعدام ۱۲ نفر از رهبران و فعالان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سایر سازمانهای چپ و مترقی، سرکوب و شکنجه اعضاء و فعالان فدائیان و قوه های اوادامه جنگ ایران و عراق محکوم شده است. این بیانیه را دبیرکل اتحادیه جهانی دانشجویان ، معاون رئیس فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، نماینده فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (بخش کارگران جوان) و نمایندگان سازمانها و اتحادیه های دانشجویی سازمانهای جوانان ویتنام ، لهستان، مجارستان، فنلستان ، بنگلدش، نپال ، سری لانکا ، هندوستان و یمن دموکراتیک اضاء کرده اند.

<p>آدرس : P1.10 1001 WIEN AUSTRIA</p>	<p>اتریش</p>
---	--------------

جوانان! برای نجات فرهنگ ملی، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنید